

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده : دانیل گانزر
برگردان از : رضا نفاعی
۰۷ جون ۲۰۲۰

زمین امریکا زیر پای نخبگان ثروت و قدرت می لرزد!



گزارش رسانه انگلیس بی بی سی در اپریل ۲۰۱۴ در ارتباط با پژوهش‌های صورت گرفته در دانشگاه پرینستون حاکی از آن بود که نظام حاکم بر ایالات متحده امریکا «دیگر دموکراسی نیست بلکه یک الیگارشی است». این یکی از موارد نادری بود که رسانه اروپائی بی بی سی نظام حاکم بر امریکا را بدرستی «الیگارشی» نامید. گزارش درست بی بی سی چنین بود: «ایالات متحده امریکا تحت سلطه گروهی از نخبگان ثروتمند و قدرتمند است». پژوهشگران پژوهش‌های صورت گرفته در پرینستون پرفسور مارتین گیلنس و بنیامین پیچ نام دارند که وضع ایالات متحده را بسیار دقیق و روشمند مورد پژوهش قرار داده اند. مدت زمان تحقیقات آنها دو دهه بود (از ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۲) آنها در این مدت مجموعاً با طرح ۱۷۷۹ پرسش در باره موضوعات مشخص مورد تحقیق، انتشار علنی پرسش‌ها، گردآوری و دسته‌بندی علمی پاسخ‌ها و مشخص ساختن این که آیا اکثر شهروندان موافق یا مخالف مسائل مطروحه بوده اند، تنظیم کردند. افزون بر این، پژوهشگران میزان درآمد پرسش‌شوندگان را نیز پرسیده و در پاسخ‌ها ذکر کرده بودند، یعنی تعلق طبقاتی آنها را نیز مشخص ساخته بودند. پژوهشگران پس از مقایسه نتایج حاصله با

تصمیمات متخذه از سوی سیاستمداران به این نتیجه رسیدند که سیاستمداران به خواست ها و تمایلات آن توده گسترده عظیمی که قشر زیرین جامعه امریکا هستند و نیز به خواست ها و تمایلات طبقه متوسط این جامعه بی اعتناء هستند. پژوهندگان پرینستون به این نتیجه رسیدند که «به نظر می رسد نقش خواست های امریکائیان نقشی است بسیار ناچیز، نقشی تقریباً برابر با صفر و از لحاظ اماری فاقد اهمیت اثر بخش بر سیاست». از این رو گیلنس و پیچ معتقدند که نمی توان حکومت امریکا را حکومت مردم دانست و می نویسند «حاصل تحقیقات ما این است که در ایالات متحده اکثریت حکومت نمی کند - دست کم به این معنی که خواست اکثریت واقعاً بر تصمیمات سیاسی اثر گذار باشد. وقتی نظر اکثریت مردم با نظر نخبگان اقتصادی یا لابی های سازمان یافته مغایرت داشته باشد معمولاً نظری که بازنده است نظر مردم است». آنها که در امریکا در عرصه سیاست تصمیم گیرنده هستند ابر ثروتمندان و لابی های آنها هستند. گیلنس و پیچ می نویسند «حاصل پژوهش های ما این بود که اکثریت مردم امریکا تأثیری ناچیز بر تصمیمات متخذه از سوی دولت دارند. ما امریکائی ها از خصیصه های زیادی برخورداریم که از ویژگی های یک نظام دموکراتیک است از جمله انتخابات منظم، آزادی بیان، آزادی تشکیل اجتماعات و حق شرکت در انتخابات». «ولی ما معتقدیم که وقتی سازمان های قدرتمند اقتصادی و اندک شماری از ابرثروتمندان بر امریکائیان تسلط دارند آنوقت دعوای امریکا مبنی بر این که یک دموکراسی است نیز با خطر واقعی روبه روست».

از آنجا که در امریکا آزادی بیان حقی است تضمین شده، حتی ابرثروتمندان هم می توانند در سطح جامعه و درانظار عمومی مورد انتقاد منتقدان قرار گیرند و می گیرند، اما نه از طریق رسانه های عمومی فراگیر و دور بُرد. چرا؟ چون منتقدان برای بیان انتقاد خود مجاز به استفاده از آن امکانات فراگیر و دور بُرد نیستند.

«اریک زوسه» مؤرخ امریکائی در مصاحبه ای با Counterpunch که مجله ای است کوچک با صراحت تمام لب به انتقاد می گشاید و می گوید به رغم انکار های مکرر در مکرر کسانی که برما حکومت می کنند و رسانه هائی که در اختیار و کنترل خود دارند امریکا به یک الیگارشسی تبدیل شده است و با ابراز تأسف می گوید «دموکراسی امریکائی یک حقه بازی است، به عبارت دیگر امریکا در واقع شبیه روسیه یا بسیاری دیگر از "دموکراسی های انتخاباتی" گمنام است. در گذشته این طور نبودیم ولی امروز یک الیگارشسی هستیم».

فقط در امریکا نیست که اختلاف بین ثروتمندان و تهی دستان شدید است، در بسیاری از کشورهای دیگر هم این اختلاف هست، در چین هم هست. آیا در قرن بیست و یکم ایجاد جهانی عادلانه تر ممکن خواهد شد؟ رسیدن به این هدف دست کم قابل تصور است، و بسیاری انسان هائی که برای رسیدن به این هدف کوشا هستند - مردم مطابق آگاهی خود، همزیستی را شکل می دهند.

نویسنده المانی اکهارت تله معتقد است: «اگر حرص دیوانه وار خودپرستانی نبود که برای بیشتر داشتن توازون تقسیم و توزیع منابع را این چنین مختل سازند نیازهای اساسی همه مردم روی زمین برای مواد غذایی، آب، سرپناه و پوشاک برآورده می شد».

برگرفته از کتاب «ایالات متحده امپراتوری ستمکار»

آینده ما